

## بررسی علل تحولات سیاسی و ظهور حکومت های مستقل در منطقه دربند باب الابواب در دوران عباسیان و مهاجرت اقوام قیچاق ها و غزان ها در منطقه داغستان (باب الابواب) تا ظهور مغولان

مهديه طباطبائی

کارشناسی ارشد، تاریخ اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران

### چکیده

در زمان فتوح که بیشتر مورخان معتقدند این جنگ ها در اثر خرد مندی خلفاء و طبق نقشه های که از پیش و با دقت فراهم شده بود. با برنامه ریزی و رهبری می شد، صورت گرفت در دوره عباسی، داغستان را والیان آذربایجان و ارمنستان اداره می کردند. مهاجرت نظامی و کوچاندن در دوره عباسی از شام و عراق به حومه دربند با کوجه هفت هزار خانواده صورت منطقه را به نفع مسلمین تغییر داد اما خزران مشکل بزرگ و عامل شکست های پی در پی عباسیان بودند. در روزگار هارون الرشید، یزید بن مزید والی ارمنستان، باب الابواب راضمیه ی حکومت خود کرد و خزران را شکست داد. متوکل باب الابواب و توابع آن به عنوان اقطاع به محمد بن خالد بخشید او پس از مرگ متوکل و بروز هرج و مرج در شروان به استقلال عمل کرد و با کفار سرزمین سریر (ارض السیر) به غزا پرداخت و شروان شاه خوانده شد. از قرن چهارم اسلام در داغستان با سرعت روبه گسترش نهاد و دربند یکی از مراکز فعال اشاعه و ترویج اسلام در نواحی هم جوار شد. از این زمان یکی از دروازه های دربند؛ باب الجهاد، نام گرفت. بسیاری از مردم داغستان در راه ترویج اسلام به شهادت رسیدند. در شرق قفقاز به ویژه شروان و دربند، دولت های تاسیس یافتند و گاه منشا عربی داشتند. از این رو ف سلطه ی اعراب در زندگی مردم داغستان که پیش از آن بت پرست بودند، اثری فراوان بر جای نهاد. اهالی دربند نخستین گروهی بودند که اسلام آوردند. بعد ها دربند یکی از کانون های اسلام در قفقاز شد. امارت محلی هاشمیان و سپس ساجیان در نیمه دوم قرن پنجم با تسلط سلجوقیان برداغستان به اتمام رسید. عناصر ترک از جمله قیچاق ها و غزان سلجوقی نیز در گسترش اسلام در مناطق داغستان و سرزمین های هم جوار نقش داشتند

واژه های کلیدی: باب الابواب، عباسیان، هاشمیان، ساجیان، قیچاق ها، غزان ها، تشکیل دولت های محلی.

## ۱- مقدمه

قبل از ظهور اسلام، ساسانیان از گذر گاه در بند باب الابواب در نزد عرب در برابر صحرا نوردان غارتگر که از شمال می آمدند. سد حصینی را برافراشتند وجود القای ایرانی چون " طبرسران"، "فیلان شاه"، "لیران شاه" و "لبان شاه" براهمیت قوت اداری و سیاسی در قلمرو برجای مانده از ساسانی شدند با نفوذ اسلام در قفقاز در سال ۲۲ ق ۶۴۳ میلادی با فتوح عبد الرحمان بن ربیعیه به دربند (دیوار باب) شروع شد. که یکی از مناطق آبادان و مهم سوق الجیشی این قلمرو در داغستان بود. که در زمان خلیفه دوم، مسلمانان پس از فتح دربند به فتح مناطق آن سوی دربند نیز روی آوردن و به قلمرو خزرها حمله کردند. که این جنگ ها در اثر خرد مندی خلفاء و طبق نقشه هایی که از پیش وبا دقت فراهم شد بود. [2]

به رهبری و برنامه ریزی صورت گرفت در دوره امویان عدم موقعیت فرماندهان در فتح کامل منطقه علاوه برغزل و نصب های پی در پی والیان صورت جنگی فتوح را به غارت اموال و اسرای بسیار از این منطقه مبدل ساخت. چیزی که در مقاوم تر بومیان بسیار ذحیل بود به طور نسبی دین اسلام در سرزمین های غرب دریای خزر که مردم آن پیرو آیین زرتشت بودند، به ویژه در میان پیشه وران و بازرگانان به سرعت گسترش یافت ولی مردم کوه نشین قفقاز در حفظ آیین های کهن مسیر وزرتشت خویش همچنان باقی بودند. اما در دوران امویان که با شکست ها با نیرو قوی وبومی بین مسلمانان و خزرها توان پیشرفت روی مسلمانان به کنده صورت گرفت؛ اما در دوره عباسی داغستان را و ایان آذربایجان وارمنستان اداره می کردند. [2]

مهاجرت نظامی و کوچاندن در دوره عباسی از شام عراق به حومه دربند با کوچ هفت هزار خانواده، صورت منطقه را به نفع مسلمین تغییر داد اما خزران مشکل بزرگ و عامل شکست های پی در پی عباسیان بودند در روزگار هارون الرشید، یزید بن مزید والی ارمنستان، باب الابواب را ضمیمه ی حکومت خود کرد و خزران را شکست داد. متوکل باب الابواب وتوابع آن را به عنوان اقطاع به محمد بن خالد بخشید؛ او پس از مرگ متوکل و بروز هرج ومرج در شروان به استقلال عمل کرد و با کنار سرزمین سریر (ارض السیر) به غزا پرداخت و شروان شاه خوانده شد از قرن چهارم اسلام در داغستان با سرعت رو به گسترش نهاد دربند یکی از مراکز فعال اعشاعه و ترویج اسلام در نواحی هم جوار شد. از این زمان یکی از دروازه های دربند. باب الجهاد نام گرفت. بسیاری از مردم داغستان در راه ترویج اسلام به شهادت رسیدند. [1]

در شرق قفقاز، به ویژه شروان دربند، دولت هایی تاسیس یافتند. که گاه منش عربی داشتند. از این رو، سلطه ی اعراب در زندگی مردم داغستان که پیش از آن بت پرست بودند، اثری فراوان برجای نهاد. اهالی در بند نخستین گروهی بودند که اسلام آوردند. بعدها دربند یکی از کانون های اسلام در قفقاز شد. امارت محلی هاشیمان و سپس ساجیان در نیمه دوم قرن پنجم با تسلط سلجوقیان برداغستان به اتمام رسید. عناصر ترک از جمله قیچاق ها و غزان سلجوق نیز در گسترش اسلام در مناطق داغستان و سرزمین های هم جوار نقش داشتند زیرا تا اواسط سده ی ۶ ق / ۱۲ میلادی فرمانروایان دربند تابع سلاطین سلجوقی بودند. تا این قرن مردم زره گران داغستان هنوز مسلمان نشده بودند اما دیری نپایید که حکام دربند هم مرتبه با ترکان به زره گران حمله بردند و مردم این سرزمین را به قبول اسلام فراخواندند. در سده های ۷-۹ ق / ۱۵-۱۳ میلادی موقعیت اسلام در جنوب داغستان به صورتی مشهود استحکام پذیرفت. [4]

## ۲- مبانی پژوهش

## ۲-۱- تحول اوضاع سیاسی در منطقه دربند داغستان در دوره عباسی

در قفقاز شاهد قیام های متعددی برضد عباسیان شد و خزران با لشکرکشی عباسی در منطقه دربند متوقف دادند و باعث شکست دادند. سیاست اسکان قبایل عرب در زمان عباسی در سرزمین ها فتح شده و این واقعه سبب برآن شد که هفت هزار خانواده مسلمان از شام و بین النهرین در حومه دربند ساکن کنند و مرز اسلام در شمال و در جنوب این مرز به سرعت گسترش بیابد و در مدتی کوتاه آیین اصلی و بعد ها شاید تنها آیین ساکنان منطقه شد. مهاجرت اعراب به ایران هم زمان با فتوحات و پس از آن هم باعث رشد جمعیت در برخی از مناطق ایران به خصوص مناطق شرقی شد که به وضوح این امر باعث به هم خوردن ترکیب جمعیتی در این مناطق بود. در این باره دو مقطع زمانی را باید در نظر گرفت: یکی در ابتدای فتوحات و

دوره خلفای راشدین و آغاز مهاجرت ها که به علت حضور گسترده مردان در پوشش نیروهای نظامی در ایران و دیگر مناطق شرقی مشکلات افزایش جمعیت و تغییر ترکیب جنسیتی به وجود آمد. دیگری در دوره امویان که مهاجرت خانواری آغاز شد. آمیختگی اعراب با بومیان در همه جا یکسان و به یک اندازه نبود و جمعیت اعراب در ناحیه بین النهرین و خراسان بیشتر بود. حتی هیشم بن عدی در یکی از کتاب های خود تحت عنوان نزوال العرب به خراسان و السواد گفته است. درباره مهاجرت عرب ها به سرزمین های تحت تصرف آنان می توان به دو هدف مهم اشاره کرد. یکی ایجاد پایگاهی که عامل خلیفه در آنجا باشد و دوم تصرف اراضی تعیین شده از سوی قبایل بادیه نشین. پایگاه ها به سرعت به کانون های زندگی تبدیل شد و در واقع معنی مرکز فرهنگی اسلامی را به خود گرفت و زبان عربی در آن ناحیه گسترش یافت [4].

و سرزمین های شمالی و شرقی قفقاز جزء مراکز دار الاسلام به شمار آمد. در اواخر سده ۲ ق / ۸ میلادی آلبانیای قفقاز به سه ایالت، اران و مغان و شروان تقسیم شده بود که ایران آن از طرف خلیفه تعیین می شد. و گرد آوری مالیات برعهده عاملان خلیفه بود و امور شرعی برعهده قضات قرار داشت در شعرهای دربند و بردعه، بیلقان که دستگاه خلافت از آنها بهره می برد، و بعدها امیران محلی جای عاملان بغدادی را گرفتند و والیان وظیفه گرد آوری مالیات و ارسال آن به مرکز خلافت اسلامی را داشتند و در صورت لزوم سپاه را در اختیار خلفا قرار می دادند. در سال ۱۳۵ قمری / ۷۵۲ میلادی خود منصور به نواحی رفت و تا حدود یک سال در آنجا بود. سیاست اسکان قبایل عرب و ایجاد و تعمیر و نگهداری از قلعه ها و سازه ها و حصارها و استقرار سپاه تا دوره خلافت معتصم ادامه داشت. اعراب برخی از زمینهای خوب و حاصلخیز کشاورزی را خریداری می کردند و جمعیتی آن نواحی از یک سو و مسائل و مشکلات و دشواری های پیشین در ارمنیه و آذربایجان از سوی دیگر خطر هجوم اقوام شمال یعنی خزرها به ارمنیه و آذربایجان را به دنبال داشت و آن نواحی را دچار ناآرامی های پی در پی می کرد [5].

در دوره خلافت عباسی با ضعف حکومت در بعضی از کشور ها همچون مصر، ایران، تونس، مراکش و الجزیره و سرزمین های آسیای مرکزی در قفقاز همراه بود. و شاید می توان گفت دولت های این منطقه مستقل بودند در شرق قفقاز به ویژه شروان و در بند دولت های تازه تاسیس شده بود. که گاه مشی عربی داشتند از یان رو سلطه اعراب در زندگی مردم داغستان که پیش از این بیشتر بت پرست بودند تاثیر فراوانی گذشت. با گسترش اسلام موجب شد که آن عقاید کهن معدوم شود و شعار برابری همه مسلمانان در پیشگاه خداوند بیانگر آرزوهای مردم باب تبدیل به یک جامعه پویا و عدالت اجتماعی بود. مردم دربند و سمنند ر اولین گروهی از مردم قفقاز بودند که اسلام آوردند و بعدها دربند به یکی از کانون های اسلامی و یا پایگاه اسلام در قفقاز تبدیل شد. خلیفه پس از او چند نفر دیگر را به حکومت باب فرستاد تا اوضاع نا آرام آنجا را آرام کنند که چنین هدفی محقق نشد. در سال ۱۷۵ فضل بن یحیی بن خالد برمکی حاکم ارمنستان شد و به ناحیه باب آمد و به قلعه جمزین حمله کرد و نتیجه این حمله چیزی جز شکست نبود و از سوی دیگر خزران باب را گرفتند و مردم را قتل عام کردند و شهرهای آنجا را ویران کردند و تا پل رود کر پیش رفتند، تا سال ۲۳۰ قمری باب الابواب و همه نواحی به دست خزران افتاد [7].

## ۲-۲- جایگاه منطقه در بند داغستان در دوره ان خلفا بی عباسی

### ۲-۲-۱- در بند در دوره هارون الرشید

گفته می شود که ارمنیه و اران و باب الابواب یعنی قفقاز و آذر بایجان که مزر اسلام با اقوام غیر مسلمان و دولت روم بود به دلیل وجود منابع زیادی که از لحاظ اقتصادی اهمیت داشت موجب استقرار مسلمانان در آن نواحی برای خلافت اموی و عباسی بود. و حفظ فتوحات و نگهداری از مرزهای ارمنیه و آذربایجان از طریق سرکوب مخالفان، با ایجاد سازه ها و دژهای مستحکم، استقرار سپاه آماده و تازه نفس و اسکان قبایل و سایر عشایر عرب در این منطقه برای دفاع مرزها مورد توجه خلافت بود. دنباله این سیاست در دوره عباسی نیز ادامه پیدا کرد. و از چه جایگاه مهمی در دوره عباسیان برخوردار بود [6].

در روزگار هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ ق / ۷۸۶-۸۰۹ میلادی) یزید بن مزید در سال ۱۸۳ ق / ۷۹۹ میلادی پس از ۱۰ سال بار دیگر به ولایت ارمنستان دست یافت و آذربایجان و شروان، باب الابواب، تحت نظر حکومت وی قرار گرفت. یزید بن مزید سپاه

خزران را که به قفقاز هجوم آورده بودن در هم شکست و با تلاش فراوان دژ در بند را تصرف کرد و تا پایان عمر خود یعنی در سال ۱۸۵ ق / ۸۰۱ میلادی حاکم آن سرزمین بود. در زمان خلافت هارون الرشید مردم سرزمین خزر دین واحد نداشتند و بین مسیحیت و یهودیت و اسلام و حتی بت پرستی سرگردان بودند تا تغییر دین خود رسماً به آیین یهود در آمدند دلیل این کار آن بود که خزران در میان دو قطب یعنی مسیحیت و اسلام قرار داشتند و آنها این موضوع را دریافتند کند با پذیرش مسیحیت یا اسلام استقلال خود را از دست می دهند و زیر سلطه آنان قرار می گیرند. در آن زمان آنها در این تفکر بودند که آیین یهود از شهرت کافی برخوردار بود و به عنوان دین آسمانی مورد احترام هر دو گروه مسیحی و مسلمان قرار دارد و مهم تر از همه پیامد این سیاست آن بود که باعث مهاجرت گسترده یهودیان به سرزمین خزرها شد. و در خصوص حملات اعراب مسلمان به سرزمین خزرها نتیجه می گیریم که شاید برخلاف سایر حملات آنان به سرزمین های دیگر به ورود و با گسترش اسلام در این منطقه منجر شد [8].

### ۲-۲-۲- در بند در دوره مامون عباسی

بعد از یزید بن مزید پسر او به نام خالد در سال ۲۰۵ ق / ۸۲۰ میلادی از سوی مامون والی آذربایجان و ارمنستان و اران شد و تا حدود سال ۲۲۰ ق / ۸۳۵ میلادی در این مقام باقی ماند. اسلام در قفقاز، ۱۳۹۶، (admin در این زمان ورود اسلام به قفقاز تا زمان متوکل عباسی در سال ۲۰۵-۶۴۷ قمری مردم آبخاز و خزران در این منطقه به پرداخت جزیه مشغول بودند و پس از فتح قفقاز تا سال ۵۱۱ قمری از تفلیس به عنوان شهری اسلامی یاد شد. حتی یعقوبی درباره این در این باره بیان می دارد. که برخی شهرهای قفقاز مانند تفلیس را مرکز عملیات نظامی مسلمانان در دوره خلافت عباسی بین سال های ۱۴۱ تا ۱۸۷ قمری توصیف می کنند. وقتی که اسلام به قفقاز وارد شد. از همان آغاز در معرض تهدید کلیسای ارتدوکس شرق قرار داشت و خطری جدی در برابر کلیسای ارتدوکس بود. پس از این فرایند قفقاز به محلی براب رقابت بین دو دین بزرگ توحیدی تبدیل شد. در شورش مردم علیه حاکم مسلمان خود در سال ۲۳۸ تا ۲۴۰ قمری که به دلیل عدم تحویل مالیات و خراج به اسحاق بن اسماعیل ۲۴۰ قمری رخ داد نمکابنده دولت عباسی به ارمنستان و تفلیس اعزام شد و سرانجام قتل اسحاق بن اسماعیل موجب شد. مسلمانان در تفلیس شکست بخوردند و اقوام مختلف و دیگر مذاهب از اطاعت حکومت اسلامی سرباز بزنند [7].

### ۲-۳- شکل گیری حکومت های محلی در منطقه دربند داغستان در زمان متوکل

دربند در زمان متوکل و ظهور حکامان محلی در سال ۲۳۷ قمری / ۸۵۱ میلادی متوکل باب الابواب و توابع آن را به عنوان هدیه به محمد بن خالد بخشید و محمد بن خالد در سال ۲۴۵ ق / ۸۵۹ میلادی شهر گنجه که در ولایت اران بود را بنا کرد و برادرش هیثم حاکم شروان شد. وی در سال، ۲۴۷ قمری / ۸۶۱ میلادی پس از مرگ متوکل عباسی با بروز هرج و مرج در شروان علم استقلال بلند کرد و با کفار سرزمین سریر یعنی ارضی السریر به جنگ پرداخت. پس از مرگ سرکرده کفار که شروان شاه خوانده می شد محمد بن هیثم جهاد. بسیار کرد و در این موقع سرنوشت شروان و در بند به هم گره خورد بود. و حتی از درآمد نفت و نمک آن زمان در باکو صرف تعمیر استحکامات دربند می شد [10].

پس از ۳۰۰ قمری / ۹۱۳ میلادی شخصی به نام ابومسلم از شام به داغستان آمد و مساجدی را در آنجا درست کرد و در اواسط سده ۴ قمری / ۱۰ میلادی در مناطق جیران و طباسران (طبرسران) حکام محلی مسلمان بودند اما بعد از آن لژیان و طبرسرای ها نیز به دین اسلام گرویدند. اسلام آوردن کوه نشینان داغستان در بسیاری از آثار سده ۴ تا ۷ قمری / ۱۰ تا ۱۰ میلادی ب جای مانده است از سده ۴ قمری / ۱۰ میلادی اسلام در داغستان با سرعت رشد کرد و با گسترش اسلام دربند به تدریج به یکی از مراکز فعال اسلام در نواحی هم جوار تبدیل شد. از این زمان یکی از دروازه ای دربند باب جهاد نام گرفت و بسیاری از مردم داغستان در راه ترویج اسلام به شهادت رسیدند [9].

## ۲-۴- حکومت هاشمیان در منطقه در بندداغستان

حکومت هاشمیان در منطقه دربند در زمان متهدی در سال ۲۵۵ قمری در دوره متهدی عباسی گروهی از موالی بنی سلیم به منطقه مرزی باب آمدند و یکی از آنان به نام هاشم در سراقه به امارت باب رسید و حکومت هاشمیان باب را پی ریزی کرد. افراد قبیله تسلیم در باب قدرتی بهم رسانند و هاشمیان از خاندان هایی بودند که در میان قبیله تسلیم از موقعیتی عالی برخوردار بودند. النجم بن هاشم را خداوند باب ذکر می کنند و نیز می گویند که وی حدود سال ۱۸۰ ق / ۷۹۶ میلادی نماینده منطقه خود بود. هنگامی که مردم شهر برما موران مالیاتی حمله آورده، والی ارمنستان نجم را به قتل رسانند و با کشته شدن نجم پسرش جیون از خزران کمک خواست و خزران با سپاهی فراوان به باب آمدند و تا رود کورا پیش رفتند. پیش از آنکه عقب بنشینند زیان و خسارت سنگینی بر مسلمانان وارد آوردند. هاشمیان با وجود این عمل خائنانه نفوذ خود را همچنان در باب حفظ کردند و خاندان هاشمی نسل به نسل در باب فرمانروایی کردند [9].

هاشم در سال های ۲۶۳ قمری / ۸۷۶-۷ میلادی و ۲۶۵ قمری / ۸۷۸-۹ میلادی پیروز مندانه به سرزمین او ار که به سریر معروف بود تاخت. پس از مرگش در سال ۲۷۱ ق / ۸۸۴ میلادی پسرش عمرو به حکومت رسید که یک سال بعد در گذشت و بردارش محمد بن محمد برجای او نشست. محمد در سال ۲۷۳ ق / ۹۰۵ میلادی با ده تا از روسای باب به اسارت سریر در آمدند اما بعد از مدتی با دادن هدایای زیاد از اسارت نجات یافتند [6].

در سال ۲۸۸ قمری کسب بلجان که امیر خزر بود به باب الابواب حمله کرد اما امیر باب محمد بن هاشم آنان را شکست داد و به گفته ابن رسته در زمان او باب الابواب در تقسیمات سیاسی ارمنستان شمرده می شد [10]. از اواسط سده ۳ قمری / ۹ میلادی خلافت عباسیان در بسیاری نواحی از جمله ارمنستان و اران با مقاومت های جدای خواهانه ای رو به رو شد. شاید بتوان گفت با حکومت هاشمیان و ساجیان کم کم خلافت عباسی داشت تجزیه می شد.

## ۲-۵- حکومت ساجیان در منطقه دربند باب الابواب

شروع حکومت ساجیان و تحولات آن در مناطق آذر بایجان و ارمنستان و مناطق اطراف آن با انقلاب بابک مو تقاً از قدرت روسای عرب در آذربایجان کاسته شده بود ظاهراً برخی به منظور کاستن از استقلال اشوب انگیز این روسا و پاره ای به قصد جاوگیری از نفوذ پادشاهان خاندان با گراتید ارمنستان بود که خلیفه معتمد در سال ۲۷۶ قمری / ۹۰-۸۸۹ میلادی یا به احتمال بیشتر در سال ۲۷۹ قمری / ۸۹۳ میلادی محمد بن ابی الساج را که یکی از بزرگترین فرماندهان سپاه خلیفه بود به ولایت آذربایجان و ارمنستان منصوب کرد. خاندان ساج از مردم اشروینه آسیای میانه بودند. ابوالساج دیو دادبن دشت، پدر محمد خود را در سپاه عباسی به فرمادهی افشین در جنگ نهایی با بابک به شهرت رساند و در ولایت مختلف به خلفا خدمت کرد پس از مرگ او در سال ۲۶۶ قمری / ۸۷۹ میلادی دو پسرش محمد یوسف راه پدر را رفتند. نخستین وظیفه محمد در آذربایجان این بود که جلوی شورش عبد الله بن حسن حمدانی که رئیس حمدانیان آذربایجان بود و مراغه را تصرف کرد، بود بگیرد. در سال ۲۸۰ قمری / ۸۹۳ میلادی محمد وی را به عبد الله تسلیم کرد و اموالش را مصادره نمود و خود او را کشت. پس از آن محمد به منصب حکومت نشست و به بردعه و بعد ها از آن به ارمنستان شد که سمباط اول با گراتید از سال ۸۹۰ میلادی بر آن فرمانروایی می کرد. [7] محمد به نام خلیفه تاج و هدایای برای او فرستاد و بدین ترتیب سیادت وی را بر سر زمینش تصدیق کرد. در سال ۸۹۲ که سمباط رسولانی نزد امپراتور بیزانس فرستاد محمد وی را به حمله تهدید کرد، اما با یک نامه سیاسی پادشاه را آرام یافت. پادشاه با گراتید در آن ایام دوین را تصرف کرد و در سال ۸۹۰ به گرجستان و آلبانیا تاخت. محمد به تلافی این توسعه طلبی سمباط در نواحی شمالی، در همان سال نخجوان و اوین را گرفت اما بعد شکست سختی خورد و با سمباط قرار داد صلح امضا کرد. اندکی بعد محمد که قدرتمند شده بود بردولت خلیفه شورش کرد و از پرداخت خراج ولایت خود به خلیفه سرباز زد. در همین موقع وی لقب سنتی شاهان اشرونیه بود. این اقب بر روی سکه هایی که وی در سال ۲۸۵ قمری / ۸۹۸ میلادی در بردعه ضرب کرد نقش شده بود. محمد در همان سال دوباره به خلیفه تسلیم شد. [9] و نیروی خود را دوباره آماده مبارزه با سمباط کرد و خلیفه نیز او را در حکومت آذربایجان و ارمنستان ابقا کرد. محمد تا طب سلطان

نشین با گراتید رخنه کرد و قارص را گرفت و همسر قباط را ربود و بخشی از خزاین شاهی را با خود برد. محمد در سال ۲۸۶ قمری / ۸۹۹ میلادی موافقت کرد که در قبال گرفتن آشوت، پسر سمباط و همسرش را به او تحویل دهد اندکی بعد به واسپورگان تاخت و سرگیسی اشوت آزرونی، فرمانروایی آن سرزمین را به قبول تبعیت و تحویل دادن برادرش وادار کرد. محمد سپس تفلیس را که در گذشته در دست مسلمانان بود مجدد تصرف کرد و با نقص قرار داد به گراتیدی تاخت اما به دستگیری پادشاه موفق نشد. محمد پس از این پیروز های سترگ یک باردیگر در وفا داری به دولت خلیفه تردید کرد ه زیرا در سال ۲۸۷ قمری / ۹۰۰ میلادی به امید تصرف دیار مضر توطئه کرد اما از توطئه وی پرده برداشتند. در همان سال به انتقام گریختن برادر سرگیس آشوت بار دیگر به واسپورگان تاخت، چون سرگیس آشوت از برابر وی گریخت محمد با نیروی که آنجا گذاشت برای تامین مقدمات لشکرکشی تازه به ضد سمباط به بردعه بازگشت اما پیش از آنکه نقشه اش را عمل کنند در سال ۲۸۸ قمری / ۹۰۱ میلادی به دلیل بیماری در گذشت [10].

## ۲-۵-۱- دربند در زمان مکتفی

خلیفه مکتفی در سال ۲۸۹-۲۹۵ ق / ۹۰۲-۹۰۵ م احمد بن طولون را ماهر مقابله با سمباط کرد که حاصل آن شکست و فرار سمباط کرد که حاصل آن شکست و فرار سمباط بود.

فرار سمباط سبب لشکرکشی محمد بن ابی الساج به ارمنستان و سپس گرجستان شد وی شهر تفلیس را غارت و ویران کرد. پس از مرگ مکتفی که در سال ۲۹۵ ق / ۹۰۸ م مقتدر خلیفه عباسی در ۲۹۵-۳۲۰ ق / ۹۰۸-۹۳۲ م یوسف بن ابی الساج گه برادر عامل پیشین بود را به عنوان عامل خود در آذربایجان و ارمنستان منصوب کرد. سمباط که از یوسف نگران بود به خلیفه نامه نوشت که ازمنستان را از فرمان یوسف خارج کند و متعهد شد که این سرزمین را به تابعیت خلیفه در آورد. یوسف که از این ماجرا آگاه شده بود از طریق تفلیس، بردعه و شیرا به جنگ سمباط رفت و سمباط که یاری مقاومت نداشت به سطح تن داد. سال بعد یوسف برعلیه سمباط به گرجستان لشکرکشی کرد شهرتفلیس را که جعفر بن علی برای فرمان می داند. به تصرف در آورد [7].

در ایام نافرمانی یوسف، خلیفه شاه سمباط را فراخواند تا در برابر ساجیان بجنگد. یوسف هرگز این خیانت وی را نه بخشید و پس از سامان دادن مناسبات خود در بغداد بی درنگ به طرف ارمنستان روانه شد. یوسف در گاگیک (غاغیق) با شاهزاد و اسپورگان هم پیمان شد و با سمباط برسر نخجوان جنگ کرد [11].

سمباط به یوسف پیشنهاد اطاعت داد اما یوسف تاج شاهی برسر نهاد و پیشنهاد سمباط را قبول نکرد و کاتولیکوس هو هاتسی را به اسارات در آورد.

وی در سال ۲۹۶ ق / ۹۰۹ م نخجوان را گرفت و به یاری گاگیک ناحیه سونیک را تصرف کرد. یوسف که سمباط را تا آن سوی کشور تحقیب کرده بود زمستان را در دوین به سربرد و در سال ۲۹۷ ق / ۹۱۰ م در شمال ایروان سپاه سلطنتی که فرماندهی آن را آشوت ارکت و موشل پسران سمباط بر عهده داشتند شکست داد. و سرانجام موشل به اسارات در آمد و باز هر امیر ساجی کشت شد. و از سوی دیگر جنگ بین دو طرف شدید گرفت و سمباط در یک محاصره به دام افتاد و سرانجام خود را تسلیم یوسف کرد. یوسف اول کار او را به وطنش باز گرداند اما دوباره وی را دستگیر کرد و مدت یک سال در اسارات نگه داشت و در سال ۳۰۱ ق / ۹۱۴ م به قتل رساند. یوسف در ابتدا در برابر آشوت دوم پسر سمباط که سعی داشت تا قلمروی پدرش را تحویل بگیرد سیاست خصوصت آمیزی در پی گرفت اما پس از آنکه گاگیک آرجورنی از همکاری بیشتر باوی امتناع کرد. یوسف اسپارپت آشوت رابه رقابت با او برانگیخت و در دوین برتخت نشاند. اما چون پسر سمباط حمایتش بجای دیگری معطوف بود . [5]

پس از آنکه ابن فرات حامی یوسف را از وزارت بغداد برکنار کرد از پرداخت خراج سالیانه به دولت خلیفه امتناع کرد. یوسف در سال ۳۰۳ ق / ۹۱۵-۱۶ م رسول خلیفه را زندانی کرد اما بعد از اسارات رها کرد و با پول و هدایا به نزد خلیفه پس فرستاد. در سال ۳۰۷ ق / ۹۱۹ م امیر ساجی یوسف را در همانجا شکست داد، یوسف دستگیر و به بغداد برده شد و خلیفه سه سال وی را در

اسارات داشت. تا اینکه در آذربایجان سبک غلام یوسف بود به حاکم آن منطقه شد و پس از شکست دادن سپاه خلیفه حکومتش از سوی اوبه رسمیت شناخته شد [12].

در سال ۳۱۰ ق/ ۹۲۲ م یوسف از اسارات رها شد و به حکومت شهرهای ایران مانند: زری، قزوین، ابهر، زنجان و آذربایجان رسید. سبک که همواره به یوسف و فادار بود در سال ۳۱۱ ق/ ۹۲۴ م در گذشت و ابن ابی الساج ولی سابق ری که زیر نظر خلیفه بود بیرون آمده و بر شهر دست یافت و آن را تصرف کرد. در سال ۳۱۴ ق/ ۹۲۴ م دولت خلیفه یوسف را به بغدادخواست تا با قرمطیان بحرین که حمله کردند با آنها به جنگد. در سال بعد یوسف با وجود بیشتر بودن تعداد لشکریان خود از قرمطیان شکست خورد و اسیر شد و چند ماه بعد در سال ۳۱۵ ق/ ۹۲۸ م قرمطیان وی را گردن زدند. برخی از لشکریان ترک او در بغداد به خدمت خلیفه در آمدند و دسته ساجیه را تشکیل دادند و پس از مرگ یوسف خلیفه برادرزاده وی یعنی ابو المسافر الفتح پسر محمد بن الانیس را والی آذربایجان کرد. ابو المسافر یک سال و نیم بعد یعنی در سال ۳۱۷ ق/ ۹۲۹ م به دست یکی از غلامنش کشته شد و سلسله ساجیان با مرگ او پایان یافت. در نیمه سال ۳۴۲ ق هنگامی که سالار مرزبان بن محمد به آذربایجان فرمان می راند گروهی در باب الابواب بر مرزبان قیام کردند و مرزبان به جنگ با آنان رفتند [8].

در سال ۳۴۴ ق سراسر مناطق باب شروان باب را غارت کرد. او در ۳۵۸ قمری از امیر باب احمد بن عبد الملک خواست که به نزد او رود و چون امیر باب خودداری کرد میان آن دو جنگ سختی صورت گرفت و ابراهیم بن مرزبان شکست خورد. در سال ۴۲۳ سریرها و آلانها شروان را غارت کردند و هنیام بازگشت مردم باب راه ها و معبرهای کوهستانی را بستند و اموال شان را غارت کرده و آنان را به قتل رساندند. آلان ها به تلافی کشته شدگان به باب حمله کردند [12].

#### ۲-۵-۲- ورود سلجوقیان به دربند (باب الابواب)

پس از نوبت به سلجوقیان رسید اسلام در قفقاز در آن زمان در سال ۴۴۶ قمری / ۱۰۵۴ م طغرل بیگ به آذربایجان و اران لشکر کشید کرد و پادشاهان شروان باب رسماً تن به طاعت وی در آمدند گرچه زیر سلطه سلجوقیان که بدون تاخیر صورت گرفته و تایک دهه بعد این ناحیه زیر اشغال عظیم ترکان قرار گرفت است. در سال ۴۶۰ قمری سلطان آلب ارسلان سلجوقی وقتی که به آذربایجان رسید پرده دار خود شاکتین بن علی امیرباب را که نزد شروانشاه زندانی بود آزاد کرد و به حکومت آنجا گماشت. در سال ۴۶۲ قمری آلب ارسلان غلام خود را به باب فرستاد و او قلعه باب را به تصرف خود در آورد. [10]

در سال ۵۱۷ ق بسیاری از بزرگان شهر باب الابواب به خدمت سلطان محمود بن محمد سلجوقی آمدند و از گرجیان شکایت کردند. سلجوقیان در سه مرحله در سال های ۴۶۰ تا ۴۶۴ و ۴۶۸ قمری قدرت خود را در آنجا تبیعت کردند، در دوره سلجوقیان به هنگام در گیری میان برکیارق و محمد، در بند در قلمرو سلطان محمد سلجوقی قرار گرفت و پس از برافتادن سلجوقیان دربند به تصرف خوارزمشیان در آمد مهاجرت یاموج اقوام قیچاق ها و غزان ها به منطقه داغستان و باب الابواب ترکیب سکونت ولایت را به کلی دگرگون ساختند منابع ارمنی تاریخ ورود ترکان راحتی پیشتر از این می دانند و یکی از دلایل مهاجرت آرجورنی ها و مردم شان از والسپورگان به سباستیا واگذارند ولایت سابق بیزانس در سال ۱۰۲۱ م به نخستین دسته از مهاجران اغز آذربایجان معروف به "عراقی" بود. دوهزار چندرنشین در سال ۴۲۷ ق/ ۱۰۳۲ م قدم به خاک آذربایجان گذاشتند و هسودان آنها را به گرمی پذیرفت و از حضور شان بر ضد دشمنانش استفاده کرد. [12]

ارامنه در نخستین درگیری با این سواران تیر انداز شکست سختی خوردند و حضور آنها لحظه ای سیاست فشار به شرق دولت بیزانس را متوقف نکرده چون بیزانس ها در گذشته ارجیش را از مسلمانان گرفته بودند. در سال ۴۲۵ ق/ ۱۰۲۴ م ابوالهیجا ربیب الدوله خواهر زاده و هسودان و رئیس گردان هذبانی را از قلعه برگری در شمال شرق در یاچه وان بیرون کردند و پس مدتی شهر را به تصرف در آوردند اما پس از مدتی کوتاه آن را به طور کامل از دست دادند. موج دوم ترکان که بسیار قوی تر از موج اول بود و در سال ۴۲۹ ق / ۱۰۳۷-۸ میلادی به ریاست بوقا "گوکتاش" و منصور به آذربایجان رسید. آنها اگر چه با ساکنان پیوند خویشاوندی داشتند اما دست به غارت مملکت زدند. [11]

ترکمنان در سال ۴۲۹ ق / ۱۰۲۹م مراغه را غارت کردند، مسجد آنجا را به آتش کشیدند و تعداد زیادی از مردم شهر را کشتند. چون در گذشته میان آنها و هذبانیان اختلاف بود به هنگام بازگشت از جمله ای پیروز مندان به ارمنستان آنها را مورد تهاجم قرار دادند و ترکمنان بسیاری از گردان را کشتند و روستاها یغارت کردند. ابوالهیجا که رئیس گردان بر ارومیه بود و هسودان دست پیمان باهم دادند و متحد شدند تا جلوی آشوب طلبان را بگیرند و آن را از ولایت بیرون کنند در این واقعه از غزان بسیاری کشته شدند و تعدادی زیادی از آنها به ری و همدان فرار کردند و دیگران در ولایت باقی ماندند و هسودان در سال ۴۳۲ ق / ۱۰۴۰-۱ میلادی سی تن از سران غزرا به مهمانی دعوت و در آنجا دستگیرشان کرد. اوبسیاری از لشکریان غز را به قتل رساند و سرانجام غز های که در ارومیه بودند به موصل فرار کردند. [12]

سال بعد دست بزرگی از غز هایی که در ری از برابر ابراهیم نیال سلجوقی گریخته بودند به طرف آذربایجان آمدند اما هسودان بر آنها غالب شد و از ولایت بیرون شان کرد. با ردیگر در سال ۴۲۵ ق / ۱۰۴۶ م حدود پنج هزار تن ترکمن بین النهرین از راه دیاربکر و ارمنستان به طرف آذربایجان شدند و شهر خوی (به ارامنی هیر) را اشغال کردند. در این هنگام بقایای ترکمنان عراقی سخت در آذربایجان ریشه دوانده بودن. در زمان کوتاه پسر ارسلان بن سلجوقی برای به دست گرفتن رهبری این ترکمنان به میان آنها آمد. در سال ۴۴۶ ق / ۱۰۴۵ م طغرل را پذیرفت و به نام او خطبه خواند و پسرش را به نوا بدو سپرد و بدین گونه بود که رود ایان تابع سلجوقیان شد. لبونصر مملان، پسر هسودان که در سال ۴۵۱ ق / ۱۰۵۹ م جانشین پدر شد، بار دیگر براستیای ترکمنان شورش کرد. طغرل در سال ۴۵۲ ق / ۱۰۶۰ م تبریز را محاصره کرد اما کاری از پیش نبرد. مملان قصد بغداد کرد تا از غارت ها و بی رسمی های غزان در آذربایجان به خلیفه شکایت کند و بسیاری از اعیان ولایت نیز به خلیفه عریضه نوشتن و فرستادند. خلیفه به طغرل نامه نوشت و از وی خواست که تا ترکمنان را از تاراج مملکت باز دارد اما این کار سودی نداشت در سال ۴۵۴ ق / ۱۰۶۲ م طغرل به آذربایجان رفته و بار دیگر روادیان را به اطاعت و دادن خراج سنگین مجبور کرد [10].

## ۲-۵-۳- قیچاقها و زمان ظهور مغولان در منطقه باب الابواب

نام ریشه قیچاق مشخص نیست ولی توماژ کاموسلا اعتقاد دارد کیچچاک یا همان قیچاق از دو تا واژه ایرانی گرفت شده است که شامل کسب به معنی سرخ و بلوند و چاک هم واژه سکایی است قیچاق یا همان قیچاق نام گروه ی از کوچ نشینی ترک بود و جای اصلی اقامت آنها در خاناک کیمک ها بود سپس از حدود ۱۰۳۰ تا ۱۲۳۷ میلادی یعنی تا زمان حمله مغول ها در دشت قیچاق مستقر بودند نقش اینها در بخش تاریخ روس خوارزم در آن سوی قفقاز، روم شرقی، مجارستان جهان اسلام و چین تحت استیلای دو دمان یوان حیاتی بوده است و چون قبایل غز و قیچاق در ماورالنهر ساکن بودند و در دشت های آسیای میانه زبان ترکی رواج داشت و بنا به نوشته استاد بارتولد " ایرانی را از میدان بدر کرد " چنین به نظر می رسد که تورانیان ترک بوده اند. که این گمان را در بسیاری از نوشته های ترک می توان جستجو کرد. بعد ها قفقاز مورد هجوم قیچاق ها یا همان پو لوولتس ها قرار گرفت. اینها سپس بدست مغول ها از بین می روند. ولی حاکم به آنها بی اتناع می کند. در زمان شروانشاه د سال ۶۱۹ ق رشید امیر شروان و باب بود، او در جنگ با قیچاق ها گریخت و آنان قلعه باب را تصرف کردند رشید. پس از رفتن قیچاق ها قلعه باب را به دست آورد و باقی مانده آنان را در آنجا کشت و وقتی خبر تصرف باب به قیچاق ها رسید به باب بازگشتند و رشید در جنگ با آنان کشته شد. در نتیجه قیچاق ها به زور وارد در بند می شوند و آنجا متصرف می کنند. ولی نتوانستند آن را در سلطه خود کنند. که دربند دارای دژی آن چنان استوار بود که تسخیر آن از طریق توسل به زور نا ممکن است و تنها راه تصرف آن خیانت بود. سپس وی به هجوم گرجیان به مناطق مسلمان نشین آذربایجان به مفهوم وسیع قلعه اشاره می کند. به طور کلی حملات مزبور بدین گونه بوده است [13].

حتی در باره لشکریان گرجی به دیوار های شهر نزدیک می شدند و ساکنان آنجا با پرداخت مبالغ مشخصی و یا با ارسال هدایا گرجیان را ارمنی به بازگشت می کردند. گرجیان ضربه های سهمگین به بیلقان وارد کردند و سرانجام در سال ۱۲۲۲ م آن را تصرف کردند. بیلقان در نزدیک محلی واقع شده است که آب راس و رود کورا می ریزد. ساکنان بیلقان هیچ اقدامی نکردند زیرا



یقین براین بود. کار همانند گذشته به پایان خواهد می رسد و گرجیان با اخذ با ج و هدایا راه خود را در پیش خواهند گرفت. ولی این بار گرجیان به شهر حمله بردند و بسیاری را از آنها کشتند. در رابطه با وضع کلی این سرزمین در روزگار یادشده که باید این را افزود که دودمانی ترک نیست برآذربایجان فرمانروایی داشت ایشان اتابکان آذربایجان بودند که پهلویان یا ایگد لزیان نیز نامیده می شدند اتابکان در آذر بایجان ایران و سرزمین ها شمالی آن تا دربند حکومت کردند. دیری نگذشت که با حمله مغولان به قلمرو خوارزمشاهیان و گسترش دامنه فتوح آنان در آذربایجان و اران، دربند به تصرف مغولان در آمد و ویران شد. سلطان جلال الدین خوارزمشاه که پس از بازگشت از جنگ گرجستان می خواست قدرت خود را بار دیگر در دربند مستقر سازد به سبب بی تدبیری سردارنش ناکام ماند در این دوران گویا در بند اهمیت خود را به عنوان شهری دفاعی از دست داده بود و بارها حاکمان دشت قیچاق از آن گذشته با ایلخان مغول و تیموریان جنگیده بودند پس از مرگ ابوسعید آخرین ایلخان مغول در ایران، ازبکان دربند را تصرف کردند اما بعد ها آرپاخان از نوادگان تولی، ازبکان راز دربند بیرون کرد. در سال ۷۸۹ ق ۱۳۸۷ م تیمور دربند را از تصرف امیران دشت قیچاق ها بیرون در آورد [14].

عناصر ترک از جمله قیچاق و غزان سلجوقی نیز در گسترش اسلام در مناطق داغستان و سرزمین های همجوار نقشی مهم داشتند. زیرا تا اواسط سده ۸ قمری / ۱۲ میلادی فرمانروایان دربند تابع سلاطین سلجوقی بودند و تا این قرن مردم زره گران داغستان هنوز نا مسلمان بودند یعنی به آیین کهن خود گرایش داشتند اما دیری نگذشت که حکام دربند به همراه ترکان به زره گران حمله کردند و مردم این سرزمین را به قبول اسلام فرا خواندند. در سده ۷-۹ قمری / ۱۵-۱۳ م موقعیت اسلام در جنوب داغستان به صورتی مشهود تثبیت شد و وجود کتیبه ها و آثار کوجود از وسعت اسلام در جنوب داغستان حکایت این امر را دارد. [15]

### ۳- بحث و نتیجه گیری

بعد از سلام که هم زمان با فتوحات مسلمانان به سرزمین ها دیگر مانند ایران و ارمنستان و آذربایجان شد. و در سال ۳۲ هجری رخ سپاهیان اسلام به به قفقاز (دربند) و سرزمین های اطراف آن هجوم بردند. با پذیرش امان نامه میان مردم آن منطقه و پذیرش دین اسلام با مسلمانان اقتدار سیاسی و تشکیل یک امپراطوری در ذهن فاتحان عرب به وجود آمد. چرا که مسئله مهم موضوع اقتصاد این منطقه و مناطق دیگر بود. که از نظر فاتحان به ویژه در دوره های بعد که حاکمان عرب بیشتر به فکر اقتدار سیاسی و تشکیل امپراطوری بودند این موضوع مهم از نظر آنان دور ماند و براساس کتاب های جغرافیای اسلام در آنجا همه چیز یافت می شد از لحاظ دشت ها و جلگه ها، رود خانه ها که از سرشار از گندم و جو، تاکستان بود و از نفت، نمک، ابریشم و پنبه از آنجا به دست می آمد به خاطر این موضوع مورد توجه مسلمانان قرار گرفت درباره جزیه که مهم مسئله ی هست مردم آنجا حاضر نبودند جزیه بدهند و اعتقاد داشتند که جزیه برای اهل کتاب جایز نیست که این بحث امان نامه مردم یمن که زرتشتی بود صحت بود اما در بحث امان نامه که از جان و مال آنها در برابر حمله خزران محافظت می کند.

و این ها برای مسلمانان و مردم در بند دشمن مشترک به حساب می آمدند که این امر باعث حاضر امان نامه با مسلمانان بستن به شرط که خوار نکنند مسئله امان نامه یا صلح نامه در این منطقه از اهمیت زیاد و اعتبار زیاد برخوردار بود. دوره عثمان مسائل حل نشد. در دوره امام علی (ع) هیچ فتوحات رخ نداد بیشتر نصیحت حاکم ارمنیه و آذربایجان به خاطر رفتارشان /انات با مردم بود حضرت تذکر می داد و بیشتر جنگ داخلی در زمان آن حضرت رخ داد. در زمان امویان درگیرهای پراکنده و نبردهای محلی میان دو طرف رخ داد. با به وجود آمدن بحران های سیاسی و نظامی پس از مرگ معاویه این شروش ها که به چشم می خورد در دوران بعد از وی و جانشینانش به اوج خود رسید و همچنین در اران برخی از اسقف ها نیز خواهان اطاعت از روم شرقی شدن اما بعد از بحران های سیاسی امویان ضعف آنها قیام عباسی برعلیه آنها در زمان عباسی که فضل برمکی که در سال ۱۷۵ حکام ارمنستان می شود و به ناحیه باب می ورد ثو قلعه حمزین را تصرف میکند و بعد با شکست رو به رو می شود. در سال ۱۸۳ خزران دوباره باب زا می گیرند و مردم را قتل عام و شهرها را ویران می کنند.

و تا پل رود کر که معروف به کورا بوده پیش می‌روند و امیرباب که در سال ۲۳۰ می‌آید تمام نواحی باب‌الابواب در دسته می‌گیرد. در زمان مهتدی که گروهی از اموالی به نام بنی سلیم به منطقه مرزی باب آمدند و یکی از آنان به نام هاشم بن سراقه به امارات باب می‌رسد و حکومت هاشمیان باب را پایه‌ریزی می‌کنند. در سال ۲۸۸ کسا بن بلجان، که امیر خزر به باب‌الابواب حمله می‌کند. اما امیرباب که به نام محمد بن هاشم بود آنان را شکست می‌دهد که در زمان او باب‌الابواب از تقسیمات سیاسی ارمنستان به شماره می‌رفت و از اواسط سده ۳ ق ۹۱ م خلافت عباسیان در بسیاری نواحی از جمله ارمنستان و ازان با مقاومت‌های جدایی‌خواهانه‌ای رو به رو شد، شاید بتوان گفت که با حکومت هاشمیان و کم‌کم ساجیان خلافت عباسی را به تجزیه تهدید می‌شد. در حکومت ساجیان و تحولات آن دوره در مناطق آذربایجان و ارمنستان شاید می‌شود گفت قدرت روسای غرب در آذربایجان کاهش یافتن که ظاهراً برخی به منظور کاستن از استقلال آشوب‌انگیز این روسا و جلوگیری از نفوذ پادشاهای خاندان باگراتید ارمنستان بود که خلیفه معتمد محمد بن ابی‌الساج را که یکی از فرماندهای سپاه خود بود در آذربایجان و ارمنستان انتخاب می‌کند. به این موضوع خاندان ساج در آن منطقه رخ می‌دهد. در زمان مکتفی که احمد بن طولون را مامور مقابله با سمباط بود و پس از مرگ مکتفی عباسی مقتدر خلیفه عباسی یوسف بن ابی‌الساج که در بردار امل پیش بود. را به عنوان حاکم آذربایجان و ارمنستان انتخاب کرد که اینجا با اتفاقات و درگیری بین یوسف و سمباط رخ می‌دهد که سرانجام سمباط رخ می‌دهد که سرانجام سمباط تسلیم می‌شود و وی به قتل می‌رسد و بعد از مرگ یوسف خلیفه بردار زاده اش به نام ابوالمساfer را در آذربایجان منصوب می‌کند و متاسفانه ابوالمساfer به دست یکی از غلامنش کشته می‌شود و سلسله ساجیان بامرگ او پایان می‌یابد. در دو نیمه سال ۳۴۲ قمری سالار مرزبان بن محمد به آذربایجان حکومت می‌کند و گروهی در باب‌الابواب بر مرزبان قیام می‌کند و بعد از آن در سال ۳۴۴ سراسر مناطق باب‌شروان در تسلط مرزبان محمد سالار بود و در سال ۳۵۷ سالار ابراهیم بن مرزبان در لشکر کشی به شروان باب را غارت کرد در سال ۳۵۸ بین امیر باب و احمد بن عبد الملک در گیر رخ می‌دهد که شکست ابراهیم بن مرزبان منجر می‌شود در سال ۴۲۲ سریره و آلانها شروان را غارت می‌کنند و هنگام بازگشت مردم باب راه‌های معبرهای کوهستانی را بسته نگه‌دار می‌دارند و اموالشان را غارت می‌کند و آنان را به قتل می‌رساند و آلانها به تلافی کشته‌شدگان به باب‌الابواب حمله می‌کند.

در زمان سلجوقی در دوره آلب ارسلان د ۴۶۰ سلطان آلب ارسلان سلجوقی وقتی به آذربایجان رسید پرده دار خود شارتیکن را با سپاهی به باب فرستاد و او اغلب بن علی امی باب را نزد شروانشاه زندانی بود، آزاد کرد و باز به حکومت آنجا منصوب کرد و در زمان آلب ارسلان غلام خود یعنی یغمای ترک که به طرف باب فرستاد و او شهر و قلعه باب راباجنگ و خون‌ریزی تصرف کرد. در دوره سلطان محمد در سال ۵۱۷ بسیاریبزرگان شهرباب به خدمت سلطان محمود بن محمد سلجوقی آمدند و از گرجیان شکایت کردن سلجوقیان آمدند. و از گرجیان شکایت کردند. سلجوقیان در سه مرحله قدرت خود را در آنجا تثبیت کردند. در دوره سلجوقیان به هنگام درگیری نیان برکیارق و محمد در بند در قلمرو سلطان محمد سلجوقی قرار گرفت و پس از افتادن سلجوقیان دربند و تصرف خوارزمشاهیان در آمد. باهاجرت اغز یا (غز) که موج اول بود به آذربایجان رسیدند و ورخته، رفته ترکیب سکونت ولایت را به کلی در گرگون کردند. نخستین گروه از اغزها که مرکب از حدود دو هزار چادرنشین بود قدم به خاک آذربایجان گذاشتند و هسودان آنها را به گرمیپذیرفتن و از حضور آنها برضد دشمنانش استفاده کردند.

ارامنه در نخستین درگیری این سواران تیرانداز شکست سختی خوردند و حضور آنها لحظه‌ای سیاست فشار به شرق دولت بیژانس را متوقف نکرد. اما موج دوم از ترکان قویتر از اول بود. به آذربایجان رسد و دست به غارت زدند ترکمنان در سال ۴۲۱ ق مراغه را غارت کردند و مساجد به آتش کشیدند و تعدادی زیادی در مردم کشتند و موقع بازگشت به ارمنستان را مورد تهاجم قرار دادند بعد با ظهور قوم قیچاق که همان گروه کوچ نشینی ترک بودند و جای اصلی اقامت آنها در خاناک گیمک بود. یعنی تازمان حمله مغول در دشت قیچاق مستقر بودن نقش اینها در بخش تاریخ روی خوارزم در ان سوی قفقاز، روم شرقی مجارستان جهان اسلام و چین تحت استیلای دودمان یو آن حیاتی بوده است و چنین به نظر می‌رسد که تورانیای ترک بوده اند بعدها قفقاز مورد هجوم قیچاق‌ها یا همان پولوولتسی‌ها قرار گرفت و اینها سپس بدست مغولان از بین رفتند. عناصر ترک از جمله قیچاق و غزان سلجوقی در گسترش اسلام در مناطق داغستان و سرزمین‌های همجوار نقش بسزایی داشتند در

اواسط قرن ۸ تا ۱۲ میلادی فرمانروایان دربند که تابع سلاطین سلجوقی بودند و تا این قرن مردم زره گران داغستان هنوز مسلمانان نبود اما دیری نگذشت حکام دربند به همراه ترکان وزره گران حمله کرد و مردم این سرزمین را به قبول اسلام فراخواندند. در قرون مختلف مهاجرین عرب به عنوان مسلمانان ثابت قدم باقی مانده و عنصر عرب در انتشار اسلام نقش بسزایی داشتند و در تمام دوران قرون وسطی مهاجرین عرب از بغداد، دمشق جزیره، در طی تمام دروان ها این ویژگی قومی خود حفظ کردند. تا د آغاز دوران جدید تا امروز مشاهده میکنید. بارتولد در مورد گسترش سریع اسلام در میان اقوام ترک چنین بیان می کند که پیروزی عنصر ترکی چنین بیان می کند که پیروزی عنصر ترکی پیروزی اسلام و فرهنگ اسلام را همراه داشت. در حالی که جنبه صلح امیز گسترش اسلام در ماورا قفقاز و آسیای مرکزی به خصوص در اروپایی شرقی مشاهده می شود، از دروان آغاز انتشار اسلام در قفقاز والیای عرب قرار دادهای صلح آمیز با رهبران قبایل کوهستانی منعقد می کردند. تصوف نقش فعالی در تحکیم موقعیت اسلام در اور آسیا، بلغار کرانه رود و لنگا داشت. در آن مناطق مردم پیرو اسلام بودند و مساجد و موسسه های آموزش اسلامی تاسیس شد. در تاریخ دربند از آغاز تا اواسط قرن ۱۰ به عنوان مکانی تعیین شده در روند انتشار اسلام در قفقاز شمالی شناخت شده و راهبردی بود و این پدیده تاریخی حتی در آثار تاریخی، در منابع کتبی و باستان شناسی حکایت دارد و در قرن ۱۰ بخشی عهده از اقوام قفقاز شمالی به عنوان مشترک و یا پیرو تعلیمات اعیان دیگر باقی مانده هستند. اما درباره سرنوشت اسلام در قفقاز شرقی و آسیای مرکزی از بسیار جهت بستگی به تغییرات مهم سیاسی، اجتماعی و معنوی در دولت دارد و اسلام به مشابه مذهب حاکم در داغستان در آمد و دربند شاید می شود گفت از مراکز معروف اسلامی در این منطقه محسوب میشود. اما در باره باب الابواب که به نام باب الحدید نام می برد. که ظاهرا در زمان حاضر به بعد نام های باب الابواب و باب الحدید تغییر کرده و بتدریج حذف شده و شهر نام کهن خود را که در گذشته همان دربند بوده باز یافت هست که امروز شما آثاری از بنای، کتبی و نقوشها و سکه ها، آثار دیوارها قطعه هاو در بعد باب الابواب هنوز در این شهر دربند امروز در داغستان می ببینید.

## منابع

۱. ابن حوادل، کتاب صوره الارض، چاپ کرامرس، لیدن ۱۹۶۷.
۲. بهرامیانی، علی، دانشنامه تاریخ اسلام، بنیاد دایره المعارف اسلامی، سال ۱۳۹۸
۳. باتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ترجمه لیلا ربین شه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران سال ۱۳۷۵.
۴. منتظر القائم، اصغر، نقد و بررسی روایات مربوط به نخستین فاتحان آذربایجان تا سال ۴۰ ه.ق. پژوهش تاریخی دانشگاه اصفهان، سال چهارم، شماره دوم، پاییزی ۴، تابستان ۱۳۹۱.
۵. اسلام در منطقه ی قفقاز، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۶، شماره ۱۸۹.
۶. میر سلیم، سید مصلفی، باب الابواب یا دربند نام شهری در داغستان، دانشنامه ی جهان اسلام، تهران بنیاد دایره المعارف اسلامی، نشر کتاب مرجع، چاپ سوم ۱۳۸۶.
۷. مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام مترجم آذرتاشی آذرنوش، چاپ چهارم، تهران انتشارت سازمان جغرافیای نیروهای مسلح سال ۱۳۹۰.
۸. پروجعفر، آرش، دایره المعارف اسلامی، سال ۱۳۹۸.
۹. دیانت پورزهره، بیات علی، پیامدهای اجتماعی مهاجرت قبایل عرب به ایران تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۷ شماره ۴، پاییز، زمستان ۱۳۹۰.
۱۰. رضا، عنایت الله، آذربایجان واران (آلبانیای قفقاز) تهران ۱۳۶۰ ش.

۱۱. سعادت فر، پویان و دیگران، عوامل موثر بر ناکامی فتوح و گسترش اسلام در قلمرو و خزرها (۲۲-۱۳۲ق) مجله مطالعات تاریخ اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۵، تابستان ۱۳۹۹.
۱۲. فراری، ر. ن (گرد آورنده) تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، مجموعه تاریخ ایران کمیرج، ج ۴، ترجمه حسن انوشه، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۱۳. قربان نژاد، پرسیا، بررسی علتها و انگیزه های فتح اران (آلبانیای قفقاز) از زمان فتح آن سرزمین تا پایان دوره امویان ۲۲-۱۳۲ق، مجله مطالعات تاریخ اسلام سال چهارم شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۱.
۱۴. کلان فریبایی، محمد رضا، احمد یان امیر، تاریخ گسترش اسلام قفقاز جنوبی، فصلنامه پژوهش تاریخ اسلام، دوره بیستم، شماره ۷۹، پاییز ۱۳۹۰.
۱۵. کریستن سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران ۱۳۵۱ش.

# Investigating the causes of political developments and the emergence of independent governments in the Darband area of Bab al-Abwab during the Abbasid era and the migration of the Qichaks and Ghazans in the Dagestan region (Bab al-Abwab) .until the emergence of the Mongols

Mahdiye Tabatabaie

*MA, History of Islam, University of Sistan and Baluchistan, Iran*

---

## Abstract

At the time of Fath, which most historians believe, these wars were the result of the wisdom of the caliphs and according to the plans that were carefully prepared in advance. It was planned and led, it took place during the Abbasid period, Dagestan was governed by the governors of Azerbaijan and Armenia. The military migration and migration during the Abbasid period from Syria and Iraq to the suburbs of Darband with the alley of seven thousand families changed the face of the region in favor of the Muslims, but the Khazarians were a big problem and the reason for successive defeats of the Abbasids. During the time of Harun al-Rashid, Yazid bin Muzhad, the governor of Armenia, established his rule in Bab al-Abwab and defeated the Khazrans. Mutawakwal gave Bab al-Abwab and its territories to Muhammad bin Khalid as a fief, and after Mutawakwal's death and the chaos in Sharwan, he acted independently and went to Gaza with the infidels of Sarir (Ariz al-Sarir) and was called Shah of Sharwan. From the fourth century, Islam spread rapidly in Dagestan and it became one of the active centers for the spread and promotion of Islam in the neighboring areas. From this time, one of the gates of Darband; It was named Bab al-Jihad. Many people of Dagestan were martyred in the way of promoting Islam. In the East Caucasus, especially in Sharvan and Darband, governments were established and sometimes they had Arab origins. Therefore, the Arab rule left a great impact on the lives of the people of Dagestan, who were pagans before that. The people of Darband were the first group to convert to Islam. Later, it became one of the centers of Islam in the Caucasus. The local emirate of Hashiman and then Sajian ended in the second half of the 5th century with the dominance of the Seljuks in Dagestan. Turkic elements, including the Qichaks and the Seljuk Ghazans, also played a role in the spread of Islam in the regions of Dagestan and neighboring lands.

**Keywords:** Bab al-Abwab, Abbasids, Hashemites, Sajians, Qichaks, Azans, formation of local governments.

---